

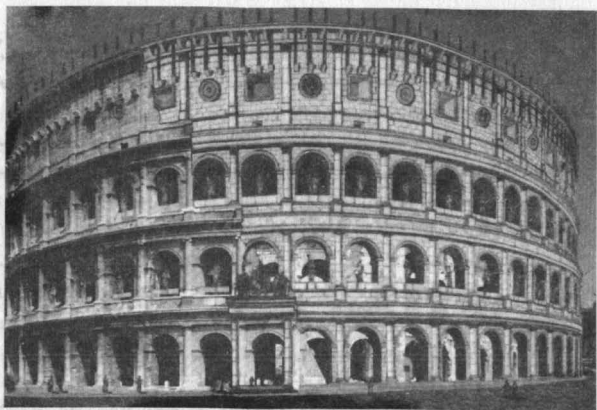
کُلوزیوم، مظهر جاودانگی رُم

چشم در چشم خورشید و چهره به چهره‌ی آفتاب سفر کنیم،
مسافر دشت‌های روشن و آبگیرهای تلخ

رهسپار می‌شویم، سوی رُم، رُم افسانه‌ای، شهری تاریخی که بخشی از میراث جهانی به‌شمار می‌آید. بسیارند بناهای کهن در این شهر باستانی، اما از کولوزیوم آغاز می‌کنیم، اثری حیرت‌انگیز، سنبل غرور و جاودانگی رُم. هویت این بنا چنان با هویت رُم و امپراتوری رُم یکی شده بود که در سده‌های میانه گفته می‌شد: «تا زمانی که کولوزیوم برپاست، رُم برپا خواهد بود و هنگامی که کولوزیوم سقوط کند رُم سقوط خواهد کرد وقتی که رُم سقوط کند، جهان سقوط خواهد کرد.»

رُمی‌ها عاشق نمایش بودند. آمفی‌تئاترهای بزرگی داشتند که تا حدی شبیه به ورزشگاه‌های امروزی بود. نمایش‌هایی که بیش از همه رُمی‌ها را به شوق وامی‌داشت، مسابقه‌ی ازابهرانی و نبرد گلاادیاتورها بود. گلاادیاتورها، مردان نیرومندی بودند که برای نبرد با حیوانات درنده و یا با یکدیگر، تربیت می‌شدند تا موجب سرگرمی مردم شوند، آنان اغلب برده یا اسیر بودند. این نبردها بسیار بی‌رحمانه بود. به‌طور معمول گلاادیاتورها آن قدر با یکدیگر می‌جنگیدند تا در نهایت یکی از آنها کشته شود. وقتی یکی از آنها مجروح شد، فرد پیروز نبرد را متوقف می‌کرد و منتظر می‌ماند تا مردم بگویند آیا نبرد را ادامه دهد یا نه؟! اگر جمعیت، شست‌شان را به سمت بالا می‌گرفتند، به این معنا بود که مرد مجروح باید بخشیده شود و اگر شست‌شان را به سمت پایین می‌گرفتند، به این معنا بود که نبرد باید ادامه یابد.

بزرگ‌ترین آمفی‌تئاتر رُم، کولوزیوم نیز شاهد چنین نمایش‌هایی بود. نام اصلی آن فلاوین یا



بنای کلوزیوم در روم باستان

فلاویوس است زیرا بنای آن توسط وِسپاسیانوس نخستین امپراتور از سلسله‌ی امپراتوران فلاوین (سال ۷۲ بعد از میلاد) آغاز شد و به وسیله‌ی پسر و جانشینش «تی توس» که در ساخت آن از اسیران یهودی استفاده کرده بود، در سال ۸۰ میلادی تکمیل و آن را به ژم اهدا نمود. این بنا به خاطر مجاورت و مشابهتی که با بنای «کلوسئوس ژرو» داشت بین عوام به کلوزیوم مشهور شد. ساختمان کلوزیوم از ابتکارهای رومیان است، زیرا آنان بودند که «تئاتر» [نیم‌دایره] را به آمفی تئاتر تبدیل کردند. یعنی دو تئاتر را به شکل یک فضای بسته‌ی بیضوی شکل یا میدان ورزش، رو در روی یکدیگر قرار دادند. کلوزیوم بزرگ‌ترین آمفی تئاتر در نوع خود است. کلوزیوم کارکرد یک استودیوم مدرن و بزرگ را در زمان خود داشت، اما صحنه‌ی دلخواه در روم باستان بازی‌های سیرک و جنگ گلاادیاتورها بود که با اضافه کردن و وارد کردن حیوانات وحشی، ترس و وحشت این نمایش‌ها دو چندان می‌شد. جنگ‌های استوره‌ای میان انسان و حیوان آن چنان‌که در بین‌النهرین بود در این جا تحقیقی خونین پیدا می‌کند. نمایش‌های توحش آمیز به‌بهای از دست رفتن جان هزاران انسان از جمله مسیحی‌یان تمام می‌شد و کلوزیوم هرگز نتوانسته است این بدنامی را از خود بزدايد. امپراتوران بر سر ایجاد تماشایی‌ترین منظره‌ها در این میدان با یکدیگر رقابت می‌کردند. هدف از این نمایش‌های خونین نهادینه کردن روح جنگجویی در میان رومیان

دانش و مردم / شماره ۱۰ / سال پنجم



محوطه‌ی داخل کلوزیوم

بود، زیرا آن چه رم را فاتح بزرگ جهان ساخته بود، چیزی جز «جنگ» نبود. در جشن‌های صد روزه که به مناسبت افتتاحیه کلوزیوم به سال ۸۰ میلادی برگزار شده بود، حدود ۹۰۰۰ حیوان وحشی کشته شد و جشنی که در سال ۲۹۴ بعد از میلاد برپا شد به یاد ماندنی بود. صدها حیوان (فیل - شیر - ببر - گورخر - زرافه) و ۲۰۰۰ گلاادیاتور کشته شدند. نمایش‌ها عبارت بود از جنگ‌های دریایی - شمشیرزنی و حتا اعدام به شیوه‌های گوناگون و سایر اشکال مجازات جسمی، نه تنها در نمایش‌هایی که در استادیوم برگزار می‌شد، مانند نمایش حیوان‌های وحشی که بخشی از تفریح و سرگرمی به‌شمار می‌آمد، بلکه حتا به اجراهای تئاتری نیز راه یافته بود. در مراسم افتتاح آمفی تئاتر کلوزیوم در دوران امپراتور «تی توس» در سال ۸۰ میلادی نیز این قبیل نمایش‌ها به اجرا درمی‌آمد. شاعری به نام مارتیال یک سیاه‌بازی را توصیف می‌کند که در آن به یک نفر اجازه داده می‌شود میان سوزاندان دست خود و سوختن در سثنلی قیراندود یکی را انتخاب کند.

روز بعد، در نمایش صبح‌گاهی

موتسیوس را دیدیم که دست خود را در آتش نهاد

اگر گمان می‌برید که او شکیبیا و جان‌سخت بود

باید به اندازه‌ی مردی از آبدراکودن باشید
اگر آن‌ها با پیراهن‌های خارش‌آور خود بگویند،
«دستت را بسوزان»

«نه گفتن» جرات بسیار بیش‌تری می‌خواهد.

به‌این ترتیب، افسانه‌ای که به‌منظور نشان دادن ایثار میهن‌پرستانه ساخته شده بود، در خدمت نشان دادن اقتدار حکومت به‌شیوه‌ای هیجان‌انگیز قرار می‌گرفت. امپراتور کنستانتین و جانشینان او قصد داشتند به‌این نمایش‌های ضدانسانی پایان دهند، اما رومی‌ها به‌هیچ وجه تمایل به‌پایان این نمایش‌ها و جنگ‌های گلاادیاتوری نشان نمی‌دادند و حاضر نبودند این نمایش‌های سستی را رها کنند.

در آغاز سده‌ی پنجم اتفاق عجیبی افتاد. روایت شده است که حین یکی از نمایش‌های گلاادیاتوری راهبی که از شرق آمده بود، معترضانه میان دو گلاادیاتور در حال جنگ قرار گرفت و از مردم (تماشاگرها) تقاضا کرد به‌این بازی‌های وحشیانه خاتمه داده شود، اما عکس‌العمل جمعیت بسیار خشونت‌بار بود. آنان با تمسخر و توهین به‌راهب و پرتاب سنگ به‌او باعث هلاک وی شدن ولی این اتفاق پایان بازی‌های وحشیانه را به‌دنبال داشت.

بعد از این واقعه، جنگ‌های گلاادیاتوری به‌جنگ‌های بین حیوانات وحشی تبدیل شد و بعد نیز در اواخر امپراتوری روم این نمایش‌ها منسوخ شد.

بنای کلوزیوم

کلوزیوم تجسمی است از استعداد رومیان به‌تلفیق آسایش عمومی و خصوصی در بناهای بزرگ؛ خدماتی که مستلزم محصورسازی و تاق زنی در فضای بزرگ است. ارتفاع دیوارهای بیرونی میدان بیضی شکل کلوزیوم ۴۸/۵ متر است، قطر بزرگ میدان ۱۸۷ متر و قطر کوچک آن ۱۵۵ متر است. این میدان در میان ردیف‌هایی از نشستگاه‌های ماریچ قرار گرفته که گنجایش حدود ۵۰/۰۰۰ و به‌روایتی دیگر ۸۰/۰۰۰ تماشاگر را داشته است. زیرزمین‌های واقع در زیر میدان، محل نگه‌داری قفس‌های جانوران - پادگان گلاادیاتورها و دستگاه‌های برانراشتن و پایین آوردن تزئینات صحنه، انسان‌ها و جانوران ستیزنده بود.

در نمای خارجی میدان از ۳ راسته‌ی تاق‌نما که با ستون‌هایی به‌سبک‌های درریک، یونیت و کورنتی تزئین شده، پوشیده شده است و طبقه‌ی چهارم از یک دیوار سنگی تشکیل شده که به‌وسیله‌ی ستون‌های باریک با پنجره‌های یک در میان، از هم جدا شده‌اند. در کل ۸۰ تاق مدور



جنگ گلاباتورها

به سبک کلاسیک حلقه‌ی بیضوی میدان را دربر گرفته است.

۲ ورودی مشابه در ۴ محور آن وجود دارد که تنها یکی از ورودی‌ها که به خاندان امپراتور اختصاص داشت، باقی مانده است. وسط جایگاه، ویژه‌ی امپراتور بود. مابقی به سناتورها و اعضای مجلس اختصاص داشت. قسمتی برای شوالیه‌ها، نظامی‌ها، غیرنظامی‌ها، جایگاه خاصی به ترتیب برای زوج‌های جوان، مردان جوان، خانواده‌ها و مستخدمین آن‌ها، برای زنان و خدمتکارانشان؛ به طور کلی جایگاه تماشاگران بر طبق جنسیت و پایگاه اجتماعی‌شان مشخص شده بود.

کلوزیوم میدانی سرپوشیده نبود اما در مواقع بارانی به وسیله‌ی گروه دریانوردان با پرده‌ی بزرگی پوشیده می‌شد در اواخر امپراتوری روم ۲ زلزله‌ی بزرگ در سال‌های ۴۴۲ و ۵۰۸ میلادی باعث شد آسیب‌های فراوانی به بنای کلوزیوم وارد شود.

در دوران روم بزرگ استودیوم، شکوه و عظمت خود را حفظ کرده بود. اما تاریخ کلوزیوم همیشه شکوهمند نبوده بلکه برهه‌هایی از تاریخ مورد بی‌توجهی و فراموشی نیز قرار گرفته است. برای نمونه در زمان پادشاهی گادوس متروکه شده بود و به عنوان قبرستان نیز از آن استفاده می‌کردند. بعد از زمین‌لرزه‌ی ۱۳۴۹ از سنگ‌های این بنا جهت ساختمان‌های دیگر استفاده کردند. با توجه به این که از سبک دوریک^۱ استفاده شده بود، در سده‌های میانه به دلیل

۱. سبک دوریک در ساخت، شیوه‌ای است که سنگین‌ترین بار را می‌تواند تحمل کند.



تصویر کنونی بنای کلوزیوم

دشواری‌های موجود در به‌دست آوردن فلز، بست‌های فلزی موجود در ساخت این بنا را یکی یکی با اهرم کردند و با کنده شدن بست‌های فلزی مزبور و ارتعاش‌های ناشی از رفت و آمد وسایل حمل و نقل جدید، باعث جابه‌جا شدن سنگ‌ها شد که کل بنا در معرض سقوط قرار گرفته است.

پاپ بندیکت (۱۷۴۰-۱۷۵۸) برای جلوگیری از نابودی جدی این بنا با نصب صلیب در این میدان، به‌خاطر شهید شدن هزاران انسان مسیحی در جنگ‌های نمایشی این مکان را مقدس اعلام کرد و به این طریق از تخریب آن جلوگیری به‌عمل آورد.

امروزه که از عمر کلوزیوم صدها سال می‌گذرد، هم‌چنان معماری آن سبیل افتخار و غرور روم است و دوستان بسیاری از سراسر جهان برای ستایش از این شکوه کهن با شوقی فراوان به سوی او می‌شتابند.

منابع:

۱- هنر در گذر زمان هلن گاردنر

۲- استوره‌های رومی چین ف. گاردنر

۳- سازندگان دنیای کهن گرتروود هارتمن

1) Imperial Rome (tourism)

2) Roma 2000 (tourism)